

## رویارویی ایدئولوژیکی ایران و عربستان سعودی در سوریه

دکتر مهدیه حیدری<sup>۱</sup>

### چکیده

پیروزی انقلاب اسلامی، منجر به شکل‌گیری جنبش‌های متنوع و بیداری اسلامی در منطقه شده است. این بیداری با حمله امریکا به عراق و سقوط دولت صدام، روند رو به گسترشی را یافته و پیامدهای متعددی را نیز برای دولت ایران به همراه داشته است؛ به گونه‌ای که با آغاز بحران بین‌المللی سوریه، و ظهور نشانه‌های از پیروزی احتمالی اسد و محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی، رهبران ائتلاف سنی به رهبری عربستان سعودی، احساس ترس و هراس بیشتری از تسری شیعه‌گری در منطقه و رشد قدرت و نفوذ ایران در منطقه کردند، به همین جهت بر حمایت‌های معنوی و به ویژه مادی خود از افراط‌گرایان سلفی در جنگ سوریه افزودند. سوال اصلی این است که علت این رقابت ایدئولوژیکی عربستان با ایران در بحران سوریه چیست؟ پاسخ موقتی این است که هراس عربستان از پیروزی ائتلاف شیعی و افزایش قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی و در پی آن بر هم خوردن توازن قدرت منطقه، منجر به رقابت این دولت با ایران، در جنگ سوریه شده است. یافته‌های پژوهش با کاربست نظریه رئالیسم نئو کلاسیک نشان می‌دهد که سعودی‌ها با افزایش برداشت تهدید خود از پیروزی احتمالی ایران در جنگ، و با هدف مهار افزایش نفوذ آن و قدرت‌گیری ایدئولوژی شیعه در منطقه رفتار تهاجمی خود مبنی بر حذف دولت اسد را پیش گرفته‌اند. شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌ها در این پژوهش مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای، و روش پژوهش نیز مبتنی بر روش تحقیقی توصیفی تحلیلی است.

**واژه‌گان کلیدی:** ایران، سوریه، توازن ایدئولوژیکی، خاورمیانه، رئالیسم نئو کلاسیک، عربستان سعودی.

۱- دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

## مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شکل‌گیری جنبش‌ها، بیداری اسلامی و به ویژه شکل‌گیری یک هلال شیعی در منطقه را در پی داشته که حمله امریکا به عراق و سقوط دولت صدام، این روند را تشدید کرد. بعد از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی، برخی سران عرب شکاف ایده‌های میان سنی و شیعه را به شکاف ژئوپلیتیک ارتقاء داده و معتقد به شکل‌گیری ژئوپلیتیک شیعه در مقابل با دنیای سنی (ژئوپلیتیک سنی) شدند، و چنین ادعا کردند که جمهوری اسلامی به عنوان قوی‌ترین کشور تبعی به دنبال استفاده از خیزش شیعه در منطقه در راستای پیشبرد اهداف و منافع ملی خود است. مطابق این دیدگاه که عمدتاً توسط سران و سیاست‌گذاران عرب مطرح شد، احیای شیعه نوید دهنده شکل‌گیری یک خاورمیانه جدید حول شکاف مذهبی شیعه و سنی است. لذا سعی در ایجاد گروه‌های مذهبی افراط‌گرای سنی در مقابل ایران کردند. شکل‌گیری و گسترش دامنه جریان تکفیری در منطقه به ویژه داعش، چالش‌های بالقوه و بالفعل گسترده‌ای برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است که اوج این چالش‌ها در بحران سوریه اتفاق افتاد. سه دسته بازیگر در این بحران در حال کنشگری‌اند: دسته اول نظام فعلی سوریه و ارتش آن به عنوان ارکان قانونی کشور که در مقابل تعداد قابل توجهی از گروه‌های مسلح داخلی و خارجی معارض قرار داشته، دسته دوم رقابت‌کنندگان منطقه‌ای و تعاملات آنها در این بحران و دسته سوم رقابت و تعاملات قدرت‌های بزرگ بوده است. حضور و ورود این بازیگران مختلف با اهداف و منافع متعارض موجب پیچیدگی‌های بیشتر این بحران شده است. بنابراین به صورت کلی دو دسته ائتلاف (امریکای عربی عبری و ائتلاف ایرانی روسی و عراقی) شکل گرفت که می‌توان با توجه به ایدئولوژی آنها به دو ائتلاف عمده افراط

گرایان سلفی سنی به رهبری عربستان و ائتلاف محور مقاومت با ایدئولوژی غالب شیعی به رهبری ایران تقسیم کرد. با ظهور نشانه های از پیروزی احتمالی اسد و ائتلاف شیعی آن به رهبری جمهوری اسلامی ایران، احساس ترس و هراس بیشتری از تسری هلال شیعی در منطقه و افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه و احتمال بر هم خوردن توازن قدرت در رهبران ائتلاف سنی به رهبری عربستان سعودی ایجاد شد، لذا این محور بر حمایت های معنوی و به ویژه مادی خود از افراط گرایان سلفی در جنگ سوریه افزودند و سعی نمودند تا کفه تعادل توازن ایدئولوژیکی در منطقه را به نفع خود وارونه سازند و نقش و نفوذ ایران را کم رنگ تر و حاشیه ای تر کنند به همین رو بیشترین تلاش خود را به کار گرفته تا دولت بشار اسد را برکنار و یک دولت با تفکرات تکفیری روی کار آورند. از این رو سوال اصلی تحقیق مبنی بر این است که علت این رقابت ایدئولوژیکی عربستان با ایران در بحران سوریه چیست؟ پاسخ موقتی این است که هراس عربستان سعودی از پیروزی ائتلاف شیعی و افزایش قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی و در پی آن بر هم خوردن توازن قدرت منطقه، منجر به رقابت این قدرت بزرگ منطقه ای با ایران در جنگ سوریه شده است. یافته های پژوهش با کاربرد نظریه رئالیسم نئوکلاسیک این است که با افزایش برداشت تهدیدات عربستان سعودی از پیروزی احتمالی ایران در جنگ، و با هدف مهار افزایش نفوذ و قدرت ایران و نیز حفظ توازن ایدئولوژیکی سنی - شیعی در منطقه رفتار تهاجمی خود در بحران سوریه در جهت حذف دولت اسد تقویت کرده اند.

## ۱. چهارچوب تحلیلی واقع‌گرایی نئوکلاسیک

رنالیست‌های نئوکلاسیک معتقدند که قدرت دولت به معنای قابلیت نسبی دولت در استخراج و بسیج منابع از جامعه داخلی، به استراتژی موازنه‌گرای که احتمالاً دنبال خواهد کرد، شکل خواهد بخشید. در این رهیافت کارکرد نهاد های دولت، ناسیونالیسم و ایدئولوژی، مؤلفه‌های قدرت محسوب می‌شوند (Lobell, 2009; 98). به اعتقاد راندال شوئر، بر خلاف ساختارگرایان رنالیستی، به ندرت الزامات ساختاری، رهبران را به سوی ترجیح یک سیاست بر سیاست دیگر سوق می‌دهد. به طوری که دولت به معنای یک دستگاه مرکزی یا نهاد های حکومتی به ارزیابی تهدید و فرصت های ناشی از نظام بین الملل آنارشیک پرداخته و سیاست خارجی خاص را در قبال آن تهدید اتخاذ می‌کند. در حقیقت تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی همواره درگیر یک بازی دوسطحی هستند: از یک سو باید به محیط خارجی واکنش نشان دهند و از سوی دیگر باید به استخراج و بسیج منابع در داخل کشور مبادرت ورزند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۲۶). از آنجایی که برای تحلیل رفتار و رویکرد عربستان سعودی در برابر جمهوری اسلامی در بحران سوریه نیاز به درک برداشت این دولت از تهدیدات ایران و سپس رفتار تهاجمی آن در سوریه وجود دارد، به نظر می‌رسد کاربست هر دو شاخه رنالیسم نئوکلاسیک مناسب تر باشد.

### ۱-۱. واقع‌گرایی تهاجمی

واقع‌گرایان تهاجمی چنین استدلال می‌کنند که آنارشی دولت‌ها را وادار می‌سازد قدرت (یا نفوذ) نسبی خود را به حداکثر برسانند. امنیت و بقا در درون نظام بین‌الملل هرگز قطعی نیست و دولت‌ها می‌کوشند با به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ خود، امنیت خویش را به حداکثر برسانند. البته دولت‌ها همواره درگیر توسعه‌گرایی نامحدود نیستند و

در مواردی که منافع این بیش از هزینه های آن باشد، به آن مبادرت می نمایند. از دید واقع گرایان تهاجمی، آنارشی بین المللی حائز اهمیت زیادی است. این آنارشی عموماً وضعیت هابزی است که امنیت امری کمیاب است و دولت ها می کوشند با به حداکثر رساندن امتیازات نسبی خود به آن نایل شوند. در این جهان، دولت های خردورزی که به دنبال امنیت اند، به انجام اقداماتی تمایل دارند که ممکن است به تعارض با دیگران منجر شود و می شود. از این منظر، تفاوت های داخلی میان کشورها نسبتاً بی اهمیت است، زیرا فرض بر این است که فشارهای نظام بین الملل آن قدر قوی است که باعث می شود دولت هایی که در وضعیت مشابهی اند، رفتار مشابهی داشته باشند. بنابراین با بررسی توانمندی ها و محیط بیرونی دولت ها می توان رفتار آنها را فهمید (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۱-۱۳۲).

فرید زکریا و جان مرشایمر را مهمترین نظریه پردازان واقع گرایی تهاجمی دانست. زکریا بر آن است که تاریخ نشان می دهد دولت ها در شرایطی که به شکلی فزاینده ثروتمند می شوند، به ایجاد ارتش های بزرگ روی می آورند، خود را درگیر مسائل خارج از مرزهایشان می کنند، و به دنبال افزایش نفوذ بین المللی خود می روند. بنابراین دولت ها در مواردی که تصمیم گیرندگان اصلی آنها تصور کنند توانمندی نسبی کشور بیشتر شده است، راهبردهای تهاجمی و با هدف بیشینه سازی نفوذ را دنبال خواهد کرد. همانگونه که گفته شد، از دید بسیاری از نوکلاسیک ها نظام تأثیر مستقیم رفتاری ندارد و در اینجا از یک سو، به عوامل ادراکی و از سوی دیگر، به ساختارهای دولتی توجه می شود. توجه زکریا به عوامل ذهن در مفهوم «شوک ادراکی» دیده می شود که بر اساس آن رویدادهای خاصی می توانند باعث شوند سیاستمداران ناگهان متوجه تأثیرات بلندمدت روندهای مربوط به قدرت شوند. قدرت دولت ها لزوماً همیشه در تمامیت خود در دسترس

نیست و این ساختارهای دولتی اند که ابزار لازم برای اعمال قدرت را در اختیار سیاستمداران می‌گذارند (یا نمی‌گذارند). در نتیجه توانمندی‌های ملی به شکلی مستقیم به رفتار دولت ترجمه نمی‌شوند و باید در این بین به قدرت دولت (که با قدرت ملی تفاوت دارد) توجه داشت. از دید جان مرشایمر، دولت‌ها در جهانی زندگی می‌کنند که سرشار از تهدیدات است و واحدهایی اند که تمایل دارند قدرت خود را به حداکثر برسانند تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند: «هدف اصلی هر دولتی آن است که سهم خود را از قدرت جهانی به حداکثر برساند، که این به معنای کسب قدرت به زیان دیگران است» (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۱۳۱-۱۳۲).

### ۱-۲. تئوری واقع‌گرایی تدافعی

استفن والت، طراح تئوری موازنه‌تهدید، فرمول بندی نوینی را از تئوری موازنه قدرت والتز ارائه داده است. والت کارش را با این پرسش آغاز می‌کند که امنیت در برابر چه چیزی باید باشد؟ او بر این باور است که امنیت بیش از آنکه در برابر قدرت مطرح شود، در برابر تهدید مطرح می‌شود. به باور والت، تهدید و نه قدرت در قلب نگرانی‌های امنیتی دولت‌ها قرار دارد و بر این اساس دولت‌ها ضرورتاً از قدرتمندترین دولت نمی‌ترسند، بلکه از دولت‌هایی می‌ترسند که بیش از سایر دولت‌ها تهدیدآمیز جلوه کنند. تهدید به نوعی خود، تابعی از مجاورت جغرافیایی، توانمندی‌های تهاجمی، نیت و مقاصد تجاوزکارانه و مجموع قدرت یک دولت است. درک نیت و مقاصد واقعی دولت‌ها دشوار است به علاوه نیت و مقاصد دولت‌ها نیز ممکن است تغییر کند (Walt, 2008: 28).

نزدیکی و مجاورت جغرافیایی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تهدید زایی و «ادراک تهدید» کشورها دارد. به طوری که کشورها از همسایگان قدرتمند خود بیش از کشورهای

قدرتمندی که دور از آنها قرار دارند، می ترسند و احساس تهدید می کنند. برای مثال، اوکراین بیشتر از ایتالیا، از قدرت روسیه احساس تهدید و خطر می کند (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۴ : ۲۳۴). دولت ها هنگام مواجهه با یک تهدید برجسته دو استراتژی کلان را در پیش رو خود می گیرند، آنها یا استراتژی موازنه قوا را بر می گزینند و یا اینکه ناگزیر از اتخاذ استراتژی دنباله روی می شوند (Walt, 2008: 9). موازنه به معنای اتحاد و ائتلاف با دیگران علیه تهدیدات است و دنباله روی به معنای پیوستن دولت تهدید شده به مرجع خطر یا تهدید آمیز ترین دولت است.

## ۲- هراس و سوء برداشت دولت های منطقه از گسترش انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ / ۱۹۷۹م، مهم ترین جرقه آغاز خیزش و تقویت شیعه را به وجود آورد و شیعیان در کشورهای مختلف منطقه، آن را نقطه امید و ایران را مأمنی برای خود تصور کردند. هرچند مسلمانان اعم از شیعی و سنی به انقلاب اسلامی ایران دل بستند و آن را تجسم آمال خود یافتند، شیعیان دلبستگی خاصی به آن پیدا کردند. از این رو، یکی از مهم ترین انگیزه های مخالفت با انقلاب اسلامی به ویژه در کشورهای عربی، نگرانی از خیزش شیعیان منطقه برای دستیابی به حقوق انسانی خود و در نتیجه، بی ثباتی این حکومت ها بود. اشغال عراق و شکل گیری حکومت با اکثریت شیعه در انتخابات سال ۲۰۰۵، مسئله قدرت گیری شیعه را مجدداً مطرح کرد و موجب نگرانی در جهان عرب شد (Nerguizian, 2015: 18).

این مسئله مورد توجه بسیاری از سیاست گذاران از یک سو و اندیشمندان از سوی دیگر قرار گرفت. در واقع، دو ادعا به طور همزمان مطرح شد: سنت قدرت گیری شیعه در منطقه منجر به شکل گیری یک بلوک شیعی شده است و دوم، این بلوک شیعی توسط تهران

هدایت خواهد شد. ولی نصر، در ابتدا در یک مقاله و سپس در کتابی با عنوان «احیای شیعه»؛ مسئله‌ی خیزش شیعه در منطقه و عواقب آن برای آمریکا، بیان کرد. از دید او مفاهیم و مقوله‌هایی مانند مدرنیته، مردم‌سالاری، بنیادگرایی، ملی‌گرایی سکولار و غیره که اغلب در تبیین مسائل خاورمیانه برای مخاطبان غربی استفاده می‌شود، دیگر نمی‌تواند به صورتی رضایت بخش توضیح‌دهنده آنچه در خاورمیانه می‌گذرد، باشد (Friedman, 2019: 23). بلکه دعوای قدیمی شیعه و سنی است که در حال حاضر ایستارسازی می‌کند، جانبداری‌ها را شکل می‌دهد، مرزهای سیاسی را ترسیم می‌کند و حتی در مورد این-که جریان‌های دیگر مرتبط هستند یا به چه میزان مرتبط هستند، تعیین‌کننده است.». از دید نصر، سقوط صدام حسین موازنه میان شیعه و سنی در خاورمیانه را تغییر داد. بر این اساس، آمریکا نه تنها رژیم عراق را تغییر داد، بلکه سلطه اهل سنت در منطقه را با چالش مواجه ساخت (Morrison, 2018: 56).

از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، طرح شکل‌گیری هلال شیعی در راستای همان سیاست سنتی، یعنی تلاش برای مهار ایران از طریق استفاده از فرقه قومی - مذهبی قرار دارد. به عبارت دیگر، آمریکا که خواهان تغییر رژیم در ایران است، به دنبال آن است که با استفاده از ایده هلال شیعی و ایجاد ایران هراسی و شیعه‌هراسی، کشورهای منطقه‌ای را در اتحادی علیه این کشور گرد هم آورده و جنگ دیگری را بر منطقه تحمیل نماید (Nerguizian, 2015: 18). بنابراین شکل‌گیری هلال شیعی موجب تقویت شکاف مذهبی شیعه - سنی در منطقه و چه خارج از آن قرار گرفت، خواهد شد. گرچه همزمان می‌تواند موجب تقویت ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران گردد. بدین شکل که محور مقاومت در مقابل هژمون‌گرایی آمریکا در منطقه را تقویت کند. از این رو با وقوع بحران



سوریه، و افزایش قدرت ائتلاف شیعی به رهبری ایران، یکی از مهم‌ترین عناصر جنگ سرد اعراب با ایران در خاورمیانه را شکل داده شد. لذا این رویارویی جدید را نباید به آسانی تحت عنوان برخورد و رویارویی شیعی و سنی تفسیر کرد؛ این سوء برداشت ایران و عربستان در منطقه است (Morrison, 2018: 56). عربستان برای مهار نفوذ ایران در خاورمیانه، در سوریه توسط افراط‌گرایان سنی عمل می‌کند. اشاعه ارزش‌ها و گسترش ایدئولوژی ایران در منطقه، موجب گسترش عمق استراتژیک ایران در خاورمیانه و جهان اسلام شده است. از دید دول مخالف، در حال حاضر تحولی در جهت افزایش قدرت ایران و نقش شیعیان در منطقه خاورمیانه شکل گرفته و ایران تلاش دارد تا با بهره‌گیری از هلال شیعی، بر قدرت خود در منطقه بیفزاید و آن را علیه منافع کشورهای سنی مذهب و نیز منافع منطقه‌ای آمریکا و اسرائیل به کار گیرد. از این رو، جهت مهار نیروهای شیعه، تنها راه، ایجاد نیروی ضد شیعه آن هم به گونه‌ای افراطی است. بر این اساس، غربی‌ها و رقبای منطقه‌ای ایران در شکل‌گیری و گسترش قدرت نیروهای تکفیری سلفی در مناطق شیعه - نشین عراق و سوریه اهتمام جدی را به عمل آوردند.

عربستان با رواج وهابیت در کشور خود سعی در سرکوب و مقابله با شیعیان داشته و همواره در بیم است تا مبادا شیعیان بحرین نیز در عربستان نفوذ پیدا کنند. در حقیقت، جبهه سوریه و عراق محل تلاقی نیروهای مقاومت به رهبری ایران و کشورهای محافظه‌کار عربی به رهبری عربستان تبدیل شده است. و شکست هر یک از طرفین در این جنگ به معنای برتری دیگری در منطقه است. عربستان سعودی یکی از حامیان اصلی تسلیح و تجهیز نیروهای مخالف دولت قانونی سعودی و افراط‌گرایان در عراق است تا بتواند مرکز محور مقاومت را از بین ببرد و نیروها و گروه‌های تندرو و افراطی را در منطقه‌ی خاورمیانه تسلط

بیابند و کمترین فرصت و نفوذ و اقتدار را به جای نگذارد. بنابراین، سوریه تبدیل به صحنه و میدان رویارویی و رقابت بازیگران محور مقاومت و ضد مقاومت شده است (Bucala, 2019: 79).

تشکیل یک حکومت شیعی در منطقه‌ی ژئوپلیتیکی خاورمیانه، سبب همگرایی در این منطقه و در پی آن افزایش وزن ژئوپلیتیکی آن‌ها می‌شود؛ به طوری که تحلیل گرانی چون فوله و توال، مفهوم ژئوپلیتیک شیعه را برای بیان اهمیت و نقش شیعیان مورد استفاده قرار دادند و این مفهوم وارد ادبیات جغرافیای سیاسی شد. تحولات بعدی خاورمیانه، همچون حمله آمریکا به عراق، فروپاشی حزب بعث و قدرت گیری شیعیان در عراق، سبب نگرانی سران کشورهای عربی از برهم خوردن سیستم نظم سنتی و موضع گیری در مقابل نظم جدید شد. ملک عبدالله، پادشاه اردن، ضمن انتقاد از افزایش قدرت شیعیان، اصطلاح هلال شیعی را مورد استفاده قرار داد و به دنبال او سران کشورهای مصر و عربستان سعودی نیز، ترس و نگرانی خود را با حمایت از مفهوم هلال شیعی بیان کردند. ظهور انقلاب اسلامی در ایران و روی کار آمدن حکومت شیعی در این کشور، این فرصت را در اختیار اندیشه‌ی سیاسی شیعه قرار داده است، تا بتواند الگوی ایدئولوژیکی خود را گسترش دهد. اما گسترش این اندیشه از یک سو به عوامل مختلف منطقه ای به ویژه فعالیت های غربی ها و آمریکا و از یک سوی دیگر، تأمین شدن شیعیان منطقه، چه از لحاظ سیاسی و چه اقتصادی مانند رهبری دلسوز از جانب ایران بستگی دارد (Friedman, 2019: 25). تحولات اخیر در عراق و روی کار آمدن دولت شیعی که دولت مردان آن سال‌ها در ایران ساکن بوده‌اند و به نوعی خود را مدیون ایرانیان می‌دانستند، پیروزی های حزب... لبنان در جنگ ۳۳ روزه علیه اسرائیل که مستقیماً با ایران در ارتباط است با پیروزی های شیعیان بحرین در

عرصه های سیاسی این کشور و سرانجام اقدامات حوثی ها در یمن، همگی نشان می دهد که شکل گیری هلال شیعی از جنبه مثبت آن که بر اثر پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ آغاز شده است، متوقف نشده و در حال تکامل و پیشرفت است. در کنار ایران و عراق که دارای اکثریت جمعیت شیعه هستند، کشورهای لبنان و بحرین به دلیل جمعیت زیاد شیعی و سوریه با حاکمیت اقلیت شیعیان علوی و گروه شیعیان عربستان سعودی به دلیل سکونت در مناطق نفت خیز، با شکل دادن به هلال تحولات ژئوپلیتیکی را از خلیج فارس تا مدیترانه تحت تأثیر قرار می دهند. منظور از هلال شیعی بیشتر جنبه ای عینی و جغرافیایی دارد (Aghazadehkhoei, 2018: 194).

دشمنان تشیع قابلیت الگوسازی و تبدیل شدن به یک شاخص، کمتر سخن به میان می آورند. آنان بعد از انتخابات پارلمانی ۲۰۰۵ عراق از قدرت یافتن ایران ترس داشتند، بدون آن که اثرات هلال شیعی و قدرت شیعیان در منطقه را بر عرصه داخلی خود برآورده کرده باشند. بر این اساس، به نظر می رسد اشتباه فاحش در فهم مؤلفه های انسانی هلال شیعی و صرفاً بیان ژئوپلیتیکی از آن، عاملی مهم در عدم برنامه ریزی های آنان برای شهروندان خود شده است. یکی از مهم ترین اعتراضات مردمی به حکام عرب، در جا زدن های سیاسی و اقتصادی در مقابل غرب است. دیروز این حاکمان از الگو گرفتن ملت های عرب از شیعیان می ترسیدند و برای مقابله با آن تلاش می کردند، اما نگاه مرز محور و تلاش برای استفاده از این ابزار برای گسترش ایران هراس و شیعه هراس، نه تنها آنان را به اهداف خود نرساند، بلکه موجب شد تا تفکر مقاومت در مقابل ظلم در میان مردم عرب نفوذ کرده و با شعله ور شدن آتش در تونس، غالب این کشورها در حال تحول قرار گرفتند. حکام عرب از هلال شیعی و سنی در کنار یکدیگر به مقابله با سیاست های ذلت آور آنان اعتراض خواهند

کرد. بحرین نمونه عینی چنین مواردی است. ایالات متحده نیز ضمن طرح تهدیدهای ایران هراسی، از جمله اعلام هشدار در شکل‌گیری هلال شیعی در خاورمیانه، کشورهای منطقه را علیه ایران، سوریه، لبنان و حاکمیت شیعه عراق تحریک می‌کند تا نگرانی‌های استراتژیک رژیم صهیونیستی را برطرف کند. هلال شیعی ابزاری بود تا آمریکا با تمسک جستن به آن، به هدف اولیه خود که همان حضور بلند مدت در منطقه خلیج فارس و در قلب این منطقه، یعنی عراق است، دست یابد تا از این طریق به اهداف اصلی ذکر شده خود در منطقه برسد. ایالات متحده برای دستیابی بهتر و راحت‌تر به منافع سابق و همیشگی خود در منطقه و در نتیجه در عرضه جهانی، از هلال شیعی به مثابه یک ابزار استفاده کرده و می‌کند (Friedman, 2019: 25).

هدف عربستان نیز از مطرح کردن طرح تهدید هلال شیعی، مقابله با فشارهای داخلی و خارجی برای انجام اصلاحات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داخلی است. عربستان با دست‌مایه قرار دادن این استراتژی و نیز با دخالت در امور داخلی عراق و تشدید منازعات و درگیری‌های داخلی در این کشور بنا به اعتراف مقامات آمریکایی توانست آمریکا را در منجلاب عراق، فرو برد و با این حربه، از فشارهای خردکننده از سوی آمریکا در روزهای اولیه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر علیه خود رهایی یابد. از آنجا که ژئوپلی‌تیک شیعه در منطقه از قدرت بالایی برخوردار است. لذا نگاه جمعی به آنان برخی نکات حائز اهمیت را داراست، در حقیقت موقعیت جغرافیایی استقرار شیعیان یا ژئوپلیتیک شیعه در منطقه خاورمیانه، کمربند استراتژیک اقتصادی و سیاسی در منطقه محسوب می‌شود؛ زیرا شیعیان در قلب بزرگ‌ترین منطقه نفت‌خیز جهان قرار گرفته‌اند (Brookings, 2018).

### ۳. تقابل دو ایدئولوژی بزرگ شیعه و افراط گرای سنی در بحران سوریه

یکی از دلایل مداخله عربستان در سوریه و تقویت جبهه مخالفان بشار اسد، ارائه الگوی نظم جانشین در منطقه با اندیشه سلفی گری است. امری که حاکی از تقابل ایدئولوژیکی است و به اقلیت علوی حاکم در مقابل اکثریت سنی بر می گردد. سلفی ها به نوعی حامل گفتمان اسلام گرایی افراطی هستند که البته نسبت به القاعده ملایم تر می باشند. در واقع، عربستان حامل این گفتمان، می تواند بستر ساز ایجاد نوعی تنش مذهبی باشد. در این بین از آنجا که سلفی های سوریه نوعی وابستگی به وهابی های عربستان دارند، لذا محکم ترین حلقه اتصال میان وهابیون عربستان و سلفی های اردن و سوریه دیده می شود. از آنجا که اخوان المسلمین سوریه به عنوان ریشه دارترین و قدیمی ترین جنبش مبارزاتی اسلامی بعد از اخوان المسلمین مصر به شمار می رود، لذا سلفی ها نیز به موازات رشد اخوان المسلمین در سوریه تشکیلات خود را سازماندهی نموده اند. عربستان از سال ۱۹۸۲ عملاً سلفی های سوریه را تغذیه کرده است. این رویکرد نه تنها در سوریه، بلکه در اردن و یمن نیز اتخاذ شده است. همچنان که در یمن سلفی ها با کمک ارتش علی عبدالله صالح به سرکوب شیعیان الحوثی پرداختند (Akbarzadeh, 2017: 87). عربستان در سوریه علاوه بر کمک های مالی فراوان به سلفی ها، از طریق گروه ۱۴ مارس در لبنان به رهبری سعد حریری سلاح های بسیاری در اختیار گروه های سلفی که عمدتاً در شهرهای درعا، حمص، حماه و دیرالزور مستقر هستند، قرار داده است. عربستان با استفاده از این حربه در تلاش است تا با نشان دادن تقابل شیعی گری و سنی گرایی و حمایت از اکثریت سنی، ضمن مهار کردن مخالفان داخلی و ایجاد همبستگی میان آنها، حمایت خود را از سنی های سوریه ابراز دارد. امری که به دولت عربستان اجازه می دهد تا اعتبار مذهبی خود را به رخ مخالفان

داخلی اش یعنی وهابیون که در رسانه‌ها و تلویزیون‌های ماهواره‌ای به گریه افتاده و خواستار جهاد در سوریه هستند، بکشند. از نظر عربستان عدم برکناری بشار اسد، در راستای مبارزه با داعش به منزله تقویت قدرت منطقه‌ای ایران محسوب می‌شود و برای همین معتقد است باید از همه ظرفیت‌های موجود منطقه‌ای و نیز همکاری‌های بین‌المللی برای سرنگونی دولت سوریه بهره جست (Esfandiari & Tabatabaai, 2019: 66).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اتخاذ رویکرد توجه به جهان اسلام و مبارزه با اشغال‌گری اسرائیل از سوی ایران، باعث روند همگرایی جبهه مقاومت (سوریه، حزب‌الله و حماس) با ایران و دستیابی این کشور به اولین متحدان راهبردی خود در منطقه شده است. و سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳م، در عراق و روی کار آمدن متحدان شیعه ایران در عراق منجر به خلق دومین متحد راهبردی ایران در منطقه گردید. همراهی این متحدان با سیاست‌های ایران در منطقه از یک سو باعث خشم عصبانیت کشورهای حوزه خلیج فارس شده و موازنه قدرت را علیه ایشان برهم زده و از سوی دیگر، این اتحاد، سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه را با چالش مواجه ساخته و به عنوان مانع بزرگی فراروی طرح خاورمیانه بزرگ قرار گرفته است (بصیری، سالدورگر، ۱۳۹۵: ۶۸). بنابراین تسلط داعش بر محور مقاومت می‌تواند باعث تضعیف یا ساقط‌سازی نظام‌های سیاسی عراق و سوریه گردد و مجدداً توازن قدرت را به سود ائتلاف ضد ایرانی «غربی - عربی» تغییر و ایران از قدرت برتر منطقه‌ای به حاشیه برانند و امنیت ملی ایران را با چالش مواجه سازند (Brookings, 2018). سقوط دمشق و بغداد در یک فروپاشی تمام عیار در هندسه قدرت منطقه‌ای ایران تلقی خواهد شد و دایره نفوذ ایران در جهان عرب و از سواحل شرقی دریای مدیترانه تا قلمرو شیعی جنوب عراق تقلیل پیدا می‌کند و آن را از یک قدرت

منطقه‌ای درجه اول و مستقل با نقش آفرینی ایجابی و سازنده به یک بازیگری حاشیه‌ای و با رویکرد سلبی و مقابله جویانه تنزل خواهد کرد. و منجر به آسیب‌های فراوانی به منزلت آن خواهد شد. مهم‌ترین منزلت ج. ا. ایران در منطقه، مقام و منزلت ایدئولوژیک آن در بین معلمان و حتی غیرمسلمانان است، به طور حتم تداوم منزلت ایدئولوژی و ارتقاء آن منوط بر تضعیف شکاف‌های «سنی - شیعی» و «اعراب - عجم» در برابر تضاد «اسلام - حزب و اسلام - صهیونیسم» است (Esfandiari & Tabatabaai, 2019: 63).

اما گروه داعش با افکار سلفی جهادی خود با معکوس کردن معادله فوق این منزلت معنوی را مخدوش کرده و با دستاویزهای مذهبی، همزیستی میان شیعه و سنی را به شدت به مخاطره می‌اندازد و شکاف سنی - شیعی را در برابر شکاف اسلام و غرب تقویت می‌کند. چنانچه فرقه‌گرایی مذهبی داعش که ضد کارکرد انسجام بخش دین است و بر وجه تمایز هویت مذهبی خود با سایر فرقه‌های مذهبی تأکید می‌ورزد به داخل مرزهای ایران که مذهب یکی از مهم‌ترین ارکان تشکیل‌دهنده هویت ملی است، کشیده شود، می‌تواند آسیب‌ها و ضربات جبران‌ناپذیری بر هویت ملی جامعه و از آن طریق بر وحدت و انسجام ملی وارد کند (Granmayeh, 2019: 54). داعش با تخریب امکان مقدس اسلامی باعث زشت‌نشان دادن چهره اسلام در جهان و از سوی دیگر، آتش افروزی میان مذاهب شیعه و سنی است، داعش سندی موسوم به «سند شهر» در موصل صادر کرد که براساس آن خواستار تحذب امکان مقدس اسلامی شده است و در صورتی که داعش بر شهرهای محل بارگاه مطهر ائمه اطهار تسلط پیدا کند، براساس عقاید سلفی خود و سند مزبور که این نوع زیارتگاه‌ها را نماد شرک می‌داند، دست به تخریب آن‌ها خواهد زد که این امر تهدیدی جدی علیه امنیت اجتماعی و هویت شیعی ایران خواهد بود.

### ۳-۱. شکل‌گیری مرزهای نوین ایدئولوژیکی با گسترش افکار سلفی وهابی داعش

با ظهور داعش، مرزبندی‌های جدیدی در خاورمیانه شکل گرفت. در حوزه مرزهای جغرافیایی آسیای غربی، داعش توانست بخشی از خاک سوریه و عراق را به تصرف خود در آورد و ضمن تشکیل حوزه سرزمینی، توزیع و ترکیب جمعیت انسانی و فرقه‌ای، مذهبی و قومی این مناطق را دستخوش تحول گرداند (Lister, 2020). این امر موجب می‌شود حتی با شکست و عقب‌نشینی داعش از این مناطق، بازسازی و اصلاح ترکیب‌های جمعیتی، قومی و مذهبی در این منطقه همواره به چالش‌های جدی روبرو باشد (Harriet, 2017: 122). داعش با بهره‌گیری از مناطق اشغال شده در سوریه و عراق توانست این دو کشور را بی‌ثبات کند و این بی‌ثباتی را به سایر مناطق پیرامونی اشاعه دهد. مرزبندی‌های جدید می‌تواند نظام سیاسی - امنیتی و اجتماعی خاورمیانه را دگرگون سازد و جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی و درگیری‌های قومی را جایگزین جنگ‌های ارضی و مرزی سابق کند و شاخص‌های دوستی و دشمنی را مبنی بر این مرزبندی سیاسی، امنیتی و مذهبی تغییر دهد. لذا حضور و نقش بازیگران فرقه‌ای و بنیادگرا در مناسبات سیاسی و امنیتی خاورمیانه را در کنار دیگر بازیگران از جمله دولت‌ها، قدرت‌های فرامرطقه‌ای و انرژی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای دارد (Lister, 2020).

### ۴. تلاش عربستان سعودی برای مهار نفوذ ایران در منطقه

سوریه در واقع نشان‌دهنده یک زیرمجموعه از شکل ائتلاف بزرگ ایران است. ریاض همراه با دیگر متحدین خود در منطقه، از جمله قطر و ترکیه با نیروی نظامی و حمایت‌های حامی در براندازی بشار اسد تلاش کرده و بدین‌گونه امیدوار به شکست استراتژیک ایران در منطقه است. سعودی‌ها، بحران سوریه را در چهارچوب رقابت‌های منطقه‌ای (مهار



الگوی نفوذ معنوی ایران) نگاه می‌کنند، برای همین در مقابل نظام اسد و دفاع از شورشی که علیه آن صورت گرفته گام بر می‌دارند. نقش مهم سوریه در اتحاد استراتژیک با ایران و نقش آن در منطقه به عنوان پل ارتباطی با حزب... که منجر به تقویت مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی متحد اصلی ایالات متحده شده، و از سوی دیگر تمایل بیشتر این کشور به ایران به لحاظ سیاست های منطقه‌ای جهان عرب منجر به نفوذ ایران در منطقه شده است که این امر خوشایند اعراب منطقه خصوصاً عربستان و متحدینش نیست (Goodarzi, 2016: 274). عربستان و دیگر دول عربی خلیج فارس از زمان وقوع انقلاب ها در پی مهار تهدیدات و حفظ امنیت خود هستند. بر این مبنا سیاست مهار ایران در منطقه و حضور فعال در بحران سوریه را با اهداف افزایش امنیت خود پیگیری می‌کنند (جانسیز، بهرامی مقدم، ستوده، ۱۳۹۳: ۸۱).

درگیری های میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان از طریق جنگ نیابتی در سوریه آشکار است. خاورمیانه جدید که در آن ایران بعد از توافق هسته ای قدرت مانور بیشتری یافته و برداشت اعراب منقطه نسبت به خلاء قدرت آمریکا تا قبل از روی کار آمدن رئیس-جمهور جدید، به مانور ایران و شیعیان در سوریه و حتی عراق در یک خاورمیانه پسا صدام اجازه داده است (Zachary, 2019: 13). بنابراین، آن‌ها بر این باورند که باید یک رویکرد فعال‌تر، تهاجمی‌تر در واکنش به نفوذ ایران برای پیشبرد منافع نظامی و اقتصادی خود اتخاذ کنند. ریاض معتقد است که سلسله اسد کلیدی برای نفوذ ایران در شام است و سقوط آن می‌تواند جایگاه و نقش سوریه در حمایت از گروه‌های مقاومت را کاهش دهد و پایانی بر مداخلات ایران در لبنان و فلسطین به عنوان مناطق حیاتی عربستان باشد. و هم-

چنین موازنه برهم خورده منطقه ای پس از تحولات جهان عرب را متعادل، بنابراین به همراهی با ایالات متحده نیازمند است.

#### ۴-۱. حمایت عربستان سعودی از جریان تکفیری داعش در بحران سوریه

عربستان سعودی طی دهه های گذشته مهم ترین منبع تکوین و صدور جریان و حمایت و سلفی گری جهان اسلام و جهان عرب بوده است. عربستان، گفتمان وهابی و سلفی گری و گروه های اسلام گرای افراطی مبتنی بر این نوع از عقیده و تفکر را به عنوان مهم ترین ابزار برای نفوذ در منطقه و پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود مورد استفاده قرار داده است (Granmayeh, 2019: 54). به زعم مقامات سعودی، با استفاده از ابزار افراطی گری می-توان معادلات منطقه ای را به سود خود هدایت و مدیریت کرد. حمایت عربستان سعودی از گروه های اسلام گرای افراطی ارائه الگوی نظم جانشین در منطقه از طریق گفتمان سلفی-گری تلاش دارد با طرح مسائلی همچون شکل گیری هلال شیعی و خطرناک جلوه دادن آن به صورت بین الاذهانی گفتمان رقیب و میانه روی از جمله گفتمان شیعی و گفتمان اخوان المسلمین را به حاشیه رانده و گفتمان مورد نظر خود را در منطقه هژمونیک سازد. از دلایل دیگر حمایت عربستان سعودی از گروه های سلفی جهادی، جلوگیری از نفوذ و قدرت-گیری ج.ا. ایران در منطقه است. ایران و عربستان سعودی رقبای طبیعی محسوب می شوند. رقابت میان دو کشور فراز و فرودهای بسیار داشته است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹م موجب بروز رقابت میان تهران - ریاض بر سر زعامت رهبری در منطقه و جهان اسلام شد. مقامات سعودی خود را رهبر جهان اهل تسنن معرفی می کنند که وظیفه دارد در مقابل ایران شیعی، مقاومت و از نفوذ آن جلوگیری نماید.

رقابت تهران و ریاض پس از سال ۲۰۰۳ تا کنون شدت بیشتری به خود گرفته است. سرنگونی نظام بعثی در عراق و به تبع آن، شکل‌گیری دولت شیعی موجب هراس آل سعود شد. از طرف دیگر، روابط حسنه ایران با سوریه و جنبش‌های مقاومت حزب‌ا... در لبنان، حماس و جهاد اسلامی در فلسطین، موجب تقویت محور مقاومت در منطقه شد (Harriet, 2017: 122). از همین‌رو، عربستان سعودی سعی کرده است با حمایت از احزاب و گروه‌های سیاسی اهل سنت، در عراق و گروه‌های ۱۴ مارس در لبنان و هم‌چنین حمایت از گروه‌های سلفی جهادی افراطی در منطقه به ویژه در عراق و سوریه ضمن تضعیف متحدان جمهوری اسلامی ایران، از گسترش نفوذ ایران و تقویت محور مقاومت ممانعت به عمل آورد. عربستان سعودی با ایجاد اتحادی ضد ایرانی، به دنبال بزرگ‌نمایی خطر قدرت‌فزاینده ایران و تأثیر آن در بی‌ثباتی منطقه است. منطق محوری این ائتلاف این است که ایران نقش و نفوذ منطقه‌ای خود را به جای منافع عربستان سعودی و متحدان منطقه‌اش، افزایش داده است (Goodarzi, 2016: 275).

گروه‌های شبه نظامی دوست‌داران ایران نظیر حزب‌ا... لبنان، بسیج مردمی عراق (حشد الشعبی) و حوثی‌ها در یمن، با تقویت موقعیت خود به ترتیب در سوریه، عراق و یمن، ساختارهای سیاسی جدیدی را در جهان عرب ایجاد کرده‌اند. روند تحولات توازن قدرت در منطقه را به نفع ایران و به ضرر سعودی‌ها و اسرائیلی‌ها تغییر داده است. به واقع شکست نظامی داعش در عراق و بعثی اعظمی از سوریه، گفتگوهای سیاسی ادامه‌دار میان دوست‌اسد، ایران، روسیه و ترکیه و نقش تعیین‌کننده ایران در خنثی‌سازی رفتارندوم استقلال اقلیم کردستان عراق در سپتامبر ۲۰۱۷، همگی در تضاد با منافع سعودی‌ها و به نفع ایران بوده است (Zachary, 2019: 12).

در بحران سوریه، ایالات متحده و عربستان، رژیم صهیونیستی و ترکیه در پی افزایش فشار بر ایران و آسیب پذیری آن، سرنگون کردن دولت سوریه برای محدود کردن نفوذ ایران و حل مشکلات امنیتی ناشی از نفوذ ایران در عراق هستند (Harriet, 2017: 123). عربستان سعودی و قطر برای حفظ توازن قدرت ضد ایران در خلیج فارس می‌کوشند سوریه را به عنوان یک متحد سنی در قبال از دست دادن عراق به عنوان یک دولت شیعه نگه دارند. این کشورها از تداوم بحران در سوریه و تغییر رژیم آن حمایت می‌کنند. هدف از مطرح کردن خطر شیعیان از سوی دولت‌های محافظه‌کار عرب و دامن زدن آمریکا به این تبلیغات عبارت است از: ترس از به هم خوردن توازن راهبردی منطقه، تأثیر آن بر سرنوشت اروپا، آمریکا، و متحدان آنها در منطقه و مقابله با هژمون ایران در خلیج فارس و دستیابی آن به انرژی هسته‌ای زیر را در صورت دستیابی به توانایی هسته‌ای قدرت ایران برای تحمیل خواسته‌هایش در صلح اعراب و رژیم صهیونیستی افزایش می‌یابد.

## نتیجه‌گیری

منطقه خاورمیانه پس از فروپاشی رژیم عراق و تلاش دول منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در حال شکل دادن موازنه جدید در برابر ایران است. کشورهای منطقه خاورمیانه چون توان رویارویی با ایران را ندارند و به مصلحت نمی‌دانند، کوشیدند ابتدا با طرح مسائلی چون هلال شیعی و متهم کردن ایران مبنی بر احیای امپراتوری صفوی در ایران بحران و شیعه - هراسی را رواج دهند. طرح کردن اختلاف میان شیعه و سنی و تأکید بر کافر بودن شیعیان، به شکل‌گیری و تقویت تکفر ضد شیعی منجر شد. پس از آن برای ضربه زدن به سوریه (متحد ایران) وارد عمل شدند و مخالفان سوریه را مسلح کردند. تسلیح مبارزان و دمیدن بر آتش فرقه، به شکل‌گیری داعش انجامید. از دید آمریکا و کشورهای عرب، منطقه

داعش با مبارزه با شیعیان و نابودی آن‌ها خود به خود، به کاهش قدرت ایران در منطقه منجر خواهد شد. از نگاه کشورهای مثل عربستان، قطر، بحران سوریه فرصتی را برای سد کردن نفوذ رو به رشد ایران در عراق و شامات فراهم کرده است؛ تا از این طریق بتوانند مواضع و جایگاه خود را نیز تقویت کنند. به اعتقاد بسیاری، جبهه سوریه و عراق محل تلاقی نیروهای مقاومت به رهبری ایران و کشورهای محافظه کار عربی به رهبری عربستان است و شکست هر یک از طرفین در این جنگ نیابتی، به معنای برتری دیگری در منطقه است. عربستان با تلاش برای تغییر رژیم سوریه و رقابت با ایران شروع کند تا جنگ نیابتی در تحولات سوریه شده است. نفوذ ایران در حوزه فلسطین، چالش سمبلیک برای اعتبار پادشاهی سعودی در جهان اسلام محسوب می‌شود. ایرانیان از طریق پیوندهای نزدیکی که با سوریه برقرار کرده، توانستند که نفوذ را در لبنان و فلسطین افزایش دهند. وجود بحران بی ثبات ساز سوریه در واقع هدفی جز برقراری توازن بین محورها و تضعیف نقش و جایگاه ایران دنبال نمی‌کند. هم‌چنین کاهش نفوذ و عمق استراتژیک ایران در منطقه، مهم‌ترین تهدیدی است که از برهم خوردن موازنه، به نفع رقیبان برای ایران ایجاد می‌شود و می‌تواند به شدت منافع و امنیت ملی را تحت تأثیر قرار دهد. سقوط سوریه و به قدرت رسیدن حکومتی همگرا با محور ترکیه و عربستان، عملاً مرزهای غربی عراق را نیز در معرض فشار حکومت جدید سوریه قرار می‌دهد. در چنین شرایطی حفظ حکومت اسد برای ایران، یک موضوع حیاتی است. به همین خاطر ایران به چند دلیل از موقعیت علویان سوریه حمایت می‌کند: ۱. تجربه چند ساله اخیر منطقه نشان داده است هر جا که شیعیان حضور دارند، اهداف و برنامه های جمهوری اسلامی توانسته است موفقیت بیشتری کسب کند. ۲. نبردهای جایگزین احتمالی در سوریه با ایران تعارض ایدئولوژیک خواهند داشت. ۳. تضعیف علویان و تقویت سنی ها به معنی تقویت رقبای ایران، یعنی ترکیه و عربستان در سوریه خواهد بود. ۴. تضعیف علویان سوریه می‌تواند به عنوان عامل مهم در رقابت و تعارض ایران و عربستان به شمار آمده و در بسیج و سازماندهی علویان عربستان ایفای نقش

کنند. بنابراین حمایت همه جانبه دولت های سنی نشین منطقه همچون قطر، ترکیه و در صدر آنها عربستان از گروه های تکفیری سلفی و داعش، تلاشی در جهت از هم پاشیدن اقتدار شیعیان منطقه و منزوی نمودن ایران است. سرنگونی دولت بشار اسد و دولت شیعی عراق موجب تضعیف محور مقاومت و گفتمان شیعه، انزوای جمهوری اسلامی ایران، از دست رفتن جبهه سوریه و عدم دسترسی ایران به حزب... و حماس، برتری یافتن عربستان و دولت های مخالف ایران در منطقه و نهایتاً کاهش ضریب امنیتی ایران می شود و البته روی کار آمدن یک دولت شیعی در سوریه موجب افزایش عمق استراتژیک ایران در منطقه و تقویت محور مقاومت و در نتیجه افزایش قدرت و ضریب امنیتی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران چون می داند که اگر دولت بشار اسد سقوط کند، یکی از پایگاه های مهم و راهبردی محور مقاومت فرو خواهد پاشید و این مسأله به لحاظ راهبردی پیامدهای ویرانگری برای آینده ی منطقه خواهد داشت. به این ترتیب، از آنجا که جمهوری اسلامی ایران طی سال های گذشته در هم پیمانی با سوریه توانسته است جبهه نیرومندی برای توسعه اهداف و سیاست های منطقه ای خود ایجاد نماید، سقوط حکومت کنونی سوریه موجب از بین رفتن بخش عمده ای از دستاوردهای سیاست خارجی ایران می گردد. به عبارت دیگر، بی تفاوتی در پرونده سوریه به منزله خطای راهبردی است که بسیاری از دستاوردهای منطقه ای ایران را تحت الشعاع خود قرار می دهد. بحران سوریه به منزله تجربه سنگینی برای جبهه مقاومت با محوریت ایران محسوب می شود که هرگونه پیروزی یا شکست در آن تعیین کننده چشم انداز بلندمدت حیات سیاسی سایر بازیگران جبهه مقاومت است. با سرنگونی اسد، غرب یکی از کشورهای اصلی در محور مقاومت و حامی سرسخت حماس و حزب... را از میان بر می دارد و از این طریق، ضمن تضمین امنیت رژیم صهیونیستی و هموار کردن راه برای دیکته کردن سیاست های خود در فلسطین و منطقه، دایره فشار بر ایران را تنگ تر خواهد کرد. از این رو، ایران که وضعیت شکل گرفته در سوریه را به عنوان بازی با حاصل جمع جبری

صفر تلقی کرده، نگران از این موضوع است که مبادا سقوط اسد زمینه را برای ظهور رژیم جدید و نظم منطقه ای نامطلوب ایران فراهم آورد. در واقع، ایران به این مسئله پی برده است که نه تنها یک متحد عربی با اهمیت را از دست خواهد داد، بلکه توانایی این کشور در حمایت از حزب... و نفوذ این کشور در لبنان و موضوع منازعه اعراب رژیم صهیونیستی نیز محدود خواهد شد. تهران با ظهور «هلال سنی» طرفدار غرب از ترکیه به سوریه، اردن، عربستان و امارات گسترده شده روبه رو خواهد شد. سناریوی کابوس‌واری برای ایران بعد از اسد می‌تواند شکل بگیرد و آن جابه‌جایی از نظم موجود به نظم سنی است که قطعاً ضد ایرانی، ضد شیعی و طرفدار رقیب ایران در منطقه‌ی عربستان خواهد بود. برای ایران، زنجیره مقاومت، زنجیره مستحکمی است که سوریه یکی از حلقه‌های اساسی آن است. کشورهایی که قصد سرنگونی دولت اسد را دارند، به واقع مخالف جریان مقاومت در منطقه هستند. پایان عمر محور مقاومت در خاورمیانه، به معنای تحدیدسازی نفوذ ج.ا. ایران در منطقه، تسلط غرب به منابع و ذخایر عظیم انرژی خاورمیانه و ایجاد فضای باز برای اسرائیل است. به همین منظور، آمریکا برای حفظ امنیت رژیم صهیونیستی، تضعیف مقاومت در منطقه را در دستور کار خود قرار داده است. برای این کار، سوریه را به عنوان محور اساسی مقاومت، مورد حمله همه‌جانبه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قرار داده است. رهبران و تصمیم‌گیرندگان کلیدی جمهوری اسلامی ایران این را درک کرده‌اند که در صورت سقوط دولت بشار اسد، محور مقاومت از هم خواهد پاشید و جایگاه استراتژیک ایران در منطقه با تهدید جدی مواجه خواهد شد.

## منابع

- ۱) بصیری، محمدعلی و سالدورگر، الهه، (۱۳۹۵). «بررسی علل و عوامل شکل‌گیری داعش»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۷، شماره ۳.
- ۲) جانسیز، احمد؛ بهرامی مقدم، سجاد و ستوده، علی (۱۳۹۳). «رویارویی ایران و عربستان در بحران سوریه»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، شماره ۱۳.
- ۳) دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۴). **اصول و مبانی روابط بین‌الملل (۱)**، تهران: سمت.
- ۴) مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴). **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، تهران: سمت، چاپ اول.
- 5) Akbarzadeh, Shahram (2017). "Iran's Uncertain Standing in The dddd EEEE *The Washington Quarterly*, Vol. 1, No.2.
- 6) Aghazadehkhoei, M (2018). Iran' Sectttt y add Illaii c Seeee rrr gggh sssse ff Ceeeeaaagen Sc *Studies in conflict and Terrorism*, Vol 3.
- 7) Bucala, Paul (2019). Ira" Ne Way Wa Syaaa' *Center for Security Studies*, ETHZurich (ISW), 14/Feb 2019, Vol.2, No.3.
- 8) Brookings (2018). "Beyond Sectarianism: The New Middle East Cold War" <http://www.brookings.edu>, (Number 11, July 2014).
- 9) Esfandiary, Dina, & Tabatabaiai, Arain (2019). "Ira" s ISISPñii cy", *The Royal Inistitute of Internation*, Vol.1,No,3.
- 10) Friedman, George (2019). "Why Syaaaaa tte oo""""", *Mouldin Economics International*
- 11) *Affairs*, Vol. 2, No.5.
- 12) Lister, Charles (2020). "ISIS rr a alaii Syaaa add Ira""", *Middle East Institute*, <http://mei.edu/blog/isiss-dramatic-escalation-syria-an...>
- 13) Lobell, Steve. Eretal (ed) (2009). "Ne Caaaaaaa&eaii eeeee and Foreign Policy", *Com bridge: Cambridge.universityPress*.
- 14) Granmayeh, Elie (2019). "Iran's Strategy Against The Islamic Seeeè Jiii e Baees-Dacey, Lens, *European Council on Foreign Relation*.



- 15) Goodarzi, Jubin (2017). "Iran: Syria as The First Line of Defense" Jii e Ba -Dancey, & Daiel, Levy (Eds), The Regional Struggle for Syria, *European Council on Foreign Relations*, Vol.1, No.3.
- 16) Goodarzi, Jubin (2016). "Syria And Iran: Alliance Cooperation in A Changing Region" *Artadogu Enutleri*, Vol. 14, No.2.
- 17) Harriet, Ephraim (2017). "Arab League Urges Joint UN-Arab Peacekeeping Mission in Syria" *The Guardian*, <http://www.Guardian.Co.Uk>.
- 18) Morrison, J.Stephen (2018). "Syria's Crisis: What Is the Deal?" *Central Strategic International Studies*, Vol.2, No.3.
- 19) Nerguizian, Aram (2015). "US and Iranian Strategic Competition?", *Central Strategic International Studies*, Vol.2, No.3.
- 20) Walt, Stephen M (2008). "Why Alliances Endure or Collapse?" *Survival* , Vol., 39. No.2.
- 21) Zachary, Masters, J (2019). "Islamic State in Iraq and Greater Syria,, *Council on Foreign Policy Relation* , Vol. 2, No.1.